

روایهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

زندگی دیگران

■ فیلم پرخرجی که عنوانش یادآور یکی از آثار محبوب و حالا کلاسیک شده علمی – تخیلی است، قطعاً این هفته حرف اول را در گیشه خواهد زد اما آثار دیگری، از اکشن تا کمدی رمانتیک و مستندهایی که سعی در حل مسائل جهانی دارند هم پیدا می‌شوند که برای ارضای خاطر سلیقه‌های گوناگون به روی پرده بروند.

■ ■ ■

یادآوری کامل



«یادآور ی کامل» محصول ۲۰۱۲ بیش از آنکه بازسازی فیلم علمی-تخیلی سال ۱۹۹۰ پل وروهوفن به همین نام باشد، اقتباس تازماری از داستان کوتاه «ما می‌توانیم تماشش را یکجا برایت به یاد بیاوریم» فیلیپ کی. دیک است. یک کار گر ساختمانی که از زندگی روزمره دلزده است، قصد دارد از خدمات یک شرکت برای تجربه کردن زندگی و خاطرات دیگران استفاده کند اما خود را در کانون نبردی میان حکومت سرکوبگر و نیروهای مبارز می‌یابد. کالین فارل، کیت بکینسل، جسیکا بیل، برایان کرستن و بیل نابی در این اکشن دلهره‌آور علمی-تخیلی حضور دارند. فیلمنامه را کرت ویمر و مارک بمبک نوشته‌اند و لن وایزمن آن را با بودجه ۲۰۰میلیون دلار کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۱۱۸ دقیقه و درجه آن برای اکران عمومی بی.بی.۱۳ است.



در این اکشن دلهره‌آور که عنوان دیگر آن «سوفیا» است، یک آدمکش ناشناس تروریست‌هایی را که در اول فهرست تحت‌تعقیب‌ترین‌های آمریکا قرار دارند، یک به یک در اروپا می‌کشد و سفیر (دالاک ساترلند) از یکی از ماموران سابق اف‌بی‌ای (کریستین اسلینتر) می‌خواهد که برای کشف حقیقت و شناسایی آدمکش، دست به اقدام بزند. کارگردان فیلم ایزاک فلورنئیان است و نانسی بابین، هانس فورسینگر و الیکا پورتنای فیلمنامه‌اش را نوشته‌اند. تیموتی اسپال و الیکا پورتنای از دیگر بازیگران این فیلم هستند که با بودجه پنج‌میلیون دلار در لوکیشن‌های بلغارستان تولید شده است.

سلسلت و جسی برای همیشه



ازواج زود هنگام دو همکلاس دبیرستانی، چند سال بعد که آن دو به سنین ۳۰ سالگی رسیده‌اند، به طلاق نزدیک شده است. اما مساله به این سادگی نیست. جسی و سلسلت احساس می‌کنند که با وجود جنبه‌های ناخوشایند شخصیت طرف مقابل شان، هنوز جایی برای علاقمند بودن وجود دارد. این کمدی رمانتیک را رشیدا جونز و ویل مک کورمک نوشته‌اند، لی تولاند کرایرگر آن را کارگردانی کرده است و رشیدا جونز، اندی سمبرگ، کریس مسینا، ویسل مک کورمک، اما رابرتز و الیجا وود از جمله بازیگران‌اش هستند. زمان نمایش فیلم ۹۰ دقیقه است.

سوشی: فراگیری جهانی



سوشی یک زمان، غذایی محلی و مختص ژاپنی‌ها بود که فقط در غرفه‌های کنار خیابان‌ها و شهرهای این کشور پیدا می‌شد اما در مدت ۳۰سال، این ماهی خام به یک پدیده جهانی تبدیل شد که محیط‌زیست را نیز به خطر انداخت.

در این فیلم مستند به کارگردانی مارک هال، محصول آمریکا، لهستان، ژاپن، استرالیا و سنگاپور که به پدیده سوشی در پنج کشور می‌پردازد، تاریخ، مسایل و آینده این محصول صنایع غذایی مورد توجه قرار می‌گیرد و پرسش‌هایی مطرح می‌شود درباره اینکه تلاوم مقبولیت این غذا چه بهایی خواهد داشت و آیا به نابودی گونه‌هایی از آبزیان منجر خواهد شد و آیا اسلار در آینده صرفه اقتصادی خواهد داشت؟

سینمای جهان

گفت‌وگو با لن وایزمن، کالین فارل و جسیکا بیل، کارگردان و بازیگران فیلم «یادآوری کامل»

بسیار دور، چنین نزدیک

استیو ویتتراب / ترجمه: رهام سجادی



عکس:OutNow

دیالوگ‌های من در فیلم را دیدید. امی‌خندد! نه حرف را پس می‌گیرم، اوضاع اینقدر هم بد نیست.
■ شما فکر می‌کنید که بتوانید همین مقدار از احساسات را در صحنه‌های اکشن بگنجانید؟ آیا به شما چنین فرصتی می‌دهند؟
فارل: سعی خودم را می‌کنم.
بیل: راهش همین است.

فارل: اگر مثل آدم‌آه‌نی با صحنه‌های اکشن برخورد کنیم، آسان هستند خیلی آسان هستند. باید به خودتان یادآوری کنید که خشک بازی نکنید.
بیل: همیشه به خودم یادآوری می‌کنم. ولی این همان چیز است که کالین داشت می‌گفت که چگونه باید به نوع شخصیت نگاه کرد، مثل اینکه شما باید درام را به احساسات و افکاری که پشت هر چیز هستند بشکنید. حال این کار برداشتن تفنگ و نشانه‌گیری با آن است یا پریدن از یک ساختمان. ما همیشه این کارهای دیوانه‌وار را انجام می‌دهیم، ولی باید افکار پشت این کارها را هم درک کرد وگرنه پوچ و خشک خواهند بود. چشمان بازیگر خالی از هر چیزی می‌شود، مثل این است که بگویید: «من پریدم و سالم ماندم». بعد صحنه را می‌بینید و خودتان متوجه می‌شوید. من قبلا در فیلم‌ها این کار را کرده‌ام. من کارم را دیدم و از آن شرمسار شدم. دیگران متوجه نمی‌شوند ولی خودت متوجهی که باید این کارها را بکنی.
■ فارل: چون هر دس کیس می‌گویید: «او پرید و هیچ اتفاقی برایش نیفتاد» این برای خودتان است و در درون خودتان…

بیل: من در کار خودم این را دیدم. پس مجبور بودم که سخت کار کنم تا آن لحظه‌هایی که ارتباط برقرار کردن سخت است را پر کنم چون گاهی اوقات انگار در خلأ ایستاده‌ایم. یک روز سر صحنه آمدم و تو گفتی: «من در سکنس فقط هفت‌ثانیه حضور دارم و نمی‌دانم که دارم چه کار می‌کنم». به جایی می‌رسد که اوضاع این طوری می‌شود.

فارل: بازی پر از این جزئیات است.
■ با این قدر سخت است؟ حداقل چیزی که من از خواندن داستان کوتاه (که فیلم از آن اقتباس شده) و به نظر دبدن فیلم اولی‌ام دانم این است که خیلی‌ها نمی‌دانند چه چیزی واقعیت است و چه چیز تخیل. آیا برای شما هم این مشکل وجود دارد. مثلاً اینکه شخصیت الف است یا شخصیت ب و تماشاگر تا این نقطه چه می‌داند؟
بیل: برای ما همیشه گنج‌کنده است.
■ فارل: یک بحثی است که اصلا کل دنیا تخیلی بیش نیست. امی‌خندد! مثل فیلم «هاتریکس». است. من دنبال شبکه‌های عدد و رقم در بالای سرت هستم.
■ پس شخصیتی شبیه جار جار بینکر (یک شخصیت فضایی در مجموعه فیلم‌های «جنگ ستارگان») نیست؟

فارل: خوب، ممکن است مانند او برجسته باشد ولی من نمی‌خواهم داستان را برای طرفداران این گونه شخصیت‌ها لو بدهم.
■ آیا به ابزار یا چیز خاصی از آینده علاقه دارید که در این فیلم است؟ مثلاً ما در مورد تابلوهای تبلیغاتی که از میان‌شان می‌شود راه رفت، شنیده‌ایم.
■ فارل: من که بی‌صبرانه منتظر ام بعضی چیزها را در فیلم ببینم و بعد بگویم: «هشردا»

بیل: خالکوبی‌های درخشان جالب هستند. ولی فقط می‌درخشند.
■ فارل: آنها تا زمانی که باتری دارند می‌درخشند که در برداشت سوم معلوم می‌شوند. آن روز برای کل گروه دردرس شدند، ولی زیر پوست هستند. شخصیت جان چو این خالکوبی زیبا را دارد که مثل یک صفحه تلویزیون است که روشن است و زیر پوست قرار می‌گیرد و همیشه کار می‌کند.
■ بیل: تلفن کوچکی که در کف دست ج‌امی گیرد هم است.

فارل: آه، آره یک تلفن کف‌دستی در کف دستم.
بیل: من از اونا خوشم می‌آد.

منبع: Collider.com

سر صحنه فیلمبرداری بازسازی «یادآوری کامل»، توانستم در یک مصاحبه گروهی با کالین فارل (بازیگر نقش داگ کواید/ هاوسر) و جسیکا بیل (ملینا) شرکت کنم. با اینکه هر دو برای چند ساعت مشغول بازی در یک سکانس طولانی اکشن بودند، هر دو با لبخند آمدند و به ما زمان دادند. آنها در مورد بازسازی فیلم «یادآوری کامل»، صحنه‌های بزرگ اکشن، خشونت و برخورد فیزیکی در فیلم، اینکه به چه قسمت‌هایی از فیلم اصلی علاقه دارند، ابزارهای پیشرفته‌ای که با آنها کار کردند و بسیار چیزهای دیگر، سخن گفتند.

■ ■ ■

■ اینکه برداشت پشت برداشت از آن صحنه‌ای که ما الان تماشا کردیم را بازی کنید چقدر سخت است؟
کالین فارل: شما تازه نیامده‌اید؟ من از این سوال فرض می‌کنم که یک یا دو ساعتی است که اینجا هستید. باید بگویم ما آن صحنه را متاسفانه خیلی سریع گرفتیم، معمولاً کار این‌قدر روان پیش نمی‌رود. یابند به کند کار کردن عادت کرده باشیم.

جسیکا بیل: ما تمام مدت در این مورد حرف می‌زنیم. این صحنه‌ها لحظه‌های کوچکی از شوق، احساس و دل‌بستگی در میان سفر بزرگ و خطرناکی هستند که در آن تمام مدت در حال دودین هستیم، شلیک کردن تفنگ‌های بزرگ و اتفاقات ناگهانی، لذت بخش است.

فارل: از این جور صحنه‌ها زیاد نیستند. منظورم این است که فیلم…

بیل: فقط چند صحنه این‌قدر قشنگ هستند. فکر می‌کنم که سعی دارم همه چیز را به یک داستان عاشقانه تبدیل کنم. این برای من مشکل است، امی‌خندد!
■ فارل: شما در اینجا از ما پیشی گرفتید. من خودم حتی آن صحنه‌ای را که شما الان دیدید، ندیده‌ام. این تنها دلیلی است که من در این فیلم بازی می‌کنم. این فیلم در نشان دادن هرج و مرج اکشن و علت خشونت و نتیجه خشونت افراط به خرج می‌دهد. همان‌طور که جسیکا گفت در این لحظه‌های کوچک و این پنجره‌های کوچک هستند که احساس صادقانه شخصیت اجازه بروز پیدا می‌کنند. تجربه به من ثابت کرده عموماً با «یادآوری کامل» مثل فیلم‌های دیگر باید برخورد کرد، همان‌طوری که با یک نمایش صحنه‌ای، تئاتر کلاسیک یونانی یا فیلم «در شهر برو» یا هر چیز دیگر برخورد می‌کنید و نوع اکشنی را که فیلم دارد در نظر نمی‌گیرید. دروغ نمی‌گویم، واقعاً این کار را باید کرد. از نظر شخصیت‌تان به فیلم نگاه می‌کنید و مثل یک انسان؛ حالا هر نوع انسانی که نقش‌اش را بازی می‌کنید. یک انسان هستید و علت اینجا بودن تان چیست؟ چه چیزی انسان‌ها را اینجا نگه می‌دارد؟ آنها در این موقعیت چه کار می‌کنند؟

و غیره… پس با توجه به این مسایل، این بخش‌های فیلم جالب است. خشونت و اکشن مثل طبیعت‌شان تکراری می‌شود، ولی افکار و احساسات آدمی هر گز تکراری نمی‌شود. به عنوان یک آدم در سن ۳۵سالگی برای من سخت است که یک فکر یکجور را دوبار ابراز کنم. من همیشه یک فکر را در مورد دو چیز مشابه داشتم ولی هر گز کاملاً مشابه هم نبوده‌اند. وقتی فکر برای بار دوم و سوم بیان می‌شود موقعیت‌ش مشابه است. پس با در نظر گرفتن این حرف‌ها، صحنه‌هایی که ما بازی کردیم هر کدام کمی متفاوت هستند و این تفاوت همین جور نسبت به صحنه قبلی بیشتر می‌شود. من متوجه شدم که بعضی از کارگردان‌ها از خود بی‌خود می‌شوند و تاگاهان ۶۰، ۷۰، ۸۰ یا ۹۰ برداشت می‌گیرند. من دوست دارم این کار را تجربه کنم. مردم می‌گویند این زیادروی است ولی اگر احساسات و تفکر در میان باشد همیشه در هر برداشتی اتفاقی جدیدتری می‌افتد. اکشن تکراری می‌شود. در اول جالب است ولی بسیار بلند است. شما الان ۳۰درصد از

■ شرح داستان چقدر مشکل بود؟
وایزمن: این کار همیشه مشکل است، چون می‌خواهید داستان به طور طبیعی خودش را بیان کند و چیزهای زیادی هم باید گفته شود. فکر می‌کنم فیلمنامه از عهده این کار به خوبی برمی‌آید. این کار، ترکیبی است از فیلمنامه و اینکه از نظر تصویری چقدر از عهده کار برمی‌آید. خوشبختانه مجبور به گفتن همه چیز نیستید و می‌توانید بعضی از بخش‌های داستان را نشان دهید.

■ نسبت به هر چیزی که تا به حال دیده‌ایم، پروژه بزرگی است ولی فیلم اصلی طرفداران زیادی دارد. آیا شما احساس وظیفه می‌کنید که برای این افراد چیزی جهت یادآوری از فیلم اول بیاورید؟ یا ناگران هستنید که تماشاگران را از حس و حال فیلم بیرون بیاورد؟

وایزمن: انجام این کار در ذهنم است ولی نه طوری که خیلی آشکار باشد. همیشه کسانی ناراحت می‌شوند. این برای هر گونه اقتباس، بازسازی و هر چیزی که مردم اصلش را دوست دارند، طبیعی است. همیشه عاملی برای ناراحت کردن طرفداران پیدا می‌شود چون من هم یکی از طرفداران فیلم اول هستم پس به زعم خودم عصری از آن را می‌آورم. از ۱۶سالگی که به ساختن این فیلم علاقمند بودم، میل به آوردن بعضی چیزها از آن فیلم داشتم. ولی می‌خواهم از زاویه دید شخصی خودم اقدام کنم. آدم فقط می‌تواند حداکثر تلاش خود را بکند.

■ بعضی چیزها از فناوری در آینده مثل تلفن دستی

کیت (بکینسل) را در فیلم دیدیم. دوست‌دارید تماشاگر چه چیزهایی را در فیلم ببیند؟
وایزمن: چیزهای خوب در فیلم زیاد است. فناوری‌های جدید، پیشرفته‌ها و اسباب‌بازی‌های جدید در فیلم زیاد است. همیشه سعی می‌کنم ایده‌های جدیدی را که تا به حال ندیده‌اید، نشان بدهم. چون داستان فیلم در آینده می‌گذرد و تماشاگر انتظار دارد چیزهای جذاب ببیند؛ مثل ابزارهای جالب و نظایر آنها. این چیزی است که هیچ وقت چگونه اجازه ساخت آن را بگیریم، شروع شد. وقتی با کرت ویمر (فیلمنامه‌نویس) شروع به کار کردیم، مساله در مورد داستان بود و بعد به فیلم رسیدیم، چون ساختار فیلمنامه خوب بود، ولی همین‌طور که امروز می‌بینید، ساخت دنیای آینده و این چیزها بسیار و ببینم آیا این احساس را می‌دهد که شخصیت استفاده حرفه‌ای از یک تفنگ را بلد است و تا پایان صحنه نفس‌مان حبس می‌شود یا نه. همین‌طور اینکه می‌توانیم آن صحنه را با ابزاری که در اختیار داریم به درستی بسازیم یا خیر.

هر چیزی را که قبلا داشتم، جمع نمی‌کنیم و در یک انبار بزرگ کنار نمی‌گذاریم. آنها «در لایه‌هایی» وجود دارند. پس در پایه همه چیز آشناسنت. ساختمان‌ها هنوز هستند و ما با این ایده که دنیایی نزدیک به واقعیت است پیش می‌رویم.

■ سالی را که فیلم در آن اتفاق می‌افتد، مشخص کرده‌اید؟
وایزمن: ما سال مشخص نداریم.
■ قرن مشخص چطور؟
وایزمن: امی‌خندد! فقط در آینده می‌گذرد!

■ در آینده…

وایزمن: همیشه در فیلم‌ها می‌بینید که صحبت از صدها سال بعد در آینده در میان است. برای من آینده زمانی است که آسانسوری از مرکز زمین عبور کند. این چیزی نیست که در ۵۰ سال بعد اتفاق بیفتد. در تخیل خودم شاید در صد سال آینده ممکن باشد.

■ شما واقعاً فیلم را به واقعیت نزدیک کرده‌اید. کنجاکام که در مورد طنز داستان چه می‌کنید. فیلم اصلی طنز و جملات کوتاه طنز آمیز زیاد داشت.
وایزمن: فکر می‌کنم یکی از بزرگ‌ترین منفعت‌هایی که حضور کالین فارل در فیلم برای ما داشت، این بود که او یک بازیگر واقع‌گراست که سبک خودش را دارد. اگر بعضی از فیلم‌هایش را دیده باشید، می‌دانید که او می‌تواند بسیار خنده‌دار بازی کند ولی او این کار را از طرف خود شخصیت و با صداقت در بازی آن شخصیت انجام می‌دهد. پس او طنز را دارد ولی طنز او بیشتر واقعی است تا اینکه ادا دربیابورد و لطیفه بگوید.

■ ■ ■

چشم‌اندازی درمه

بازسازی «یادآوری کامل»

نقب زدن به امروز از دل فردا

شهزاد رحمتی

■ یکی از مهم‌ترین دلایل جذابیت ژانر علمی خیالی و قطعاً یکی از عوامل اصلی تلاوم محبوبیت این ژانر که برخلاف خیلی ژانرهای دیگر هرگز از رونق نیفتاده، قابلیت و ظرفیت بالقوه و خاص آن برای گنجاندن مهم‌ترین و حساس‌ترین عناصر و مضمون‌های سیاسی، اجتماعی، فلسفی و حتی مذهبی است. ژانر علمی خیالی گرچه تا حد زیادی با مضمون‌ها و مکان‌های فوتوریستی پیوند خورده ولی به طرز جالبی در بهترین شکل خود می‌تواند امروزی‌تر از هر ژانر دیگری باشد. در واقع شاخص‌ترین و مهم‌ترین آثار ژانر علمی خیالی – چه در ادبیات و چه در سینما- و از جمله همین «یادآوری کامل» به خاطر دربر داشتن چنین عناصری به اوج رسیده‌اند و صد البته به یاری مطرح کردن این مضمون‌ها در کنار و توأمان با روایت داستانی جذاب و جالب که می‌تواند تماشاگرش را میخ‌کوب کند. مضمون محوری برخی از قابل‌توجه‌ترین آثار علمی خیالی، حول به چالش کشیدن آنچه در ابتدا در فضای داستانی اثر کاملاً بدیهی و بی‌چون‌وچرا می‌نماید، شکل گرفته است. «یادآوری کامل» و «هاتریکس» از شاخص‌ترین نمونه‌های این رویکرد هستند. آثاری با داستانی چندلایه که در مسیر پرورش داستان، نه نکاتی جزئی و حاشیه‌ای بلکه اساس تصور و تعبیر شخصیت‌ها از عالم پیرامون و ماهیت هستی و حتی هویت فردی‌شان را زیر سوال می‌برند. بخشی از قدرت و تأثیرگذاری این آثار از همین وجه هشداردهنده و عملاً مخوف‌شان برمی‌خیزد. مضامین این آثار در خیلی مواقع، آثار عجیب نوبستندگانی از قبیل دیوید ایک را تداعی می‌کند که حول‌وحوش «تئوری‌های توطئه» محبرالعقول و نفسگیر شکل می‌گیرند. «یادآوری کامل» در میان آن دسته از فیلم‌های علمی خیالی که به موضوع جذاب و در عین حال هولناک تکثیر هویت می‌پردازند، هم به لحاظ تقدم زمانی و هم به لحاظ قدرت خود فیلم، بسیار شاخص است. این تکثیر هویت گاه از طریق تکنولوژی‌های فوق پیشرفته‌ای مثل کلونینگ و مهندسی ژنتیک سطح بالا رخ می‌دهد و گاه از طریق «هشت» کردن واقعیت‌های پیوسته ولی نه کاملاً مشابه جاری در آنچه به عنوان دنیاهای موازی از آن یاد می‌شود به همدیگر. این نظر به برخلاف آنچه شاید به نظر برسد، یکی از مهم‌ترین مباحث فیزیک مدرن است که به لطف نظریه‌ها و تلاش‌های فیزیکدان‌های بزرگی مثل میچیو کاکو به‌خصوص در سال‌های اخیر به صورتی کاملاً جدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. «یادآوری کامل» نیز مثل موفق‌ترین و بزرگ‌ترین آثار ژانر، در عین دستمایه قرار دادن داستانی فوتوریستی و با وجود بردن مخاطبش به دنیایی دور از دسترس و

هولناک تکثیر هویت می‌پردازند، هم به لحاظ تقدم زمانی و هم به لحاظ قدرت خود فیلم، بسیار شاخص است. این تکثیر هویت گاه از طریق تکنولوژی‌های فوق پیشرفته‌ای مثل کلونینگ و مهندسی ژنتیک سطح بالا رخ می‌دهد و گاه از طریق «هشت» کردن واقعیت‌های پیوسته ولی نه کاملاً مشابه جاری در آنچه به عنوان دنیاهای موازی از آن یاد می‌شود به همدیگر. این نظر به برخلاف آنچه شاید به نظر برسد، یکی از مهم‌ترین مباحث فیزیک مدرن است که به لطف نظریه‌ها و تلاش‌های فیزیکدان‌های بزرگی مثل میچیو کاکو به‌خصوص در سال‌های اخیر به صورتی کاملاً جدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. «یادآوری کامل» نیز مثل موفق‌ترین و بزرگ‌ترین آثار ژانر، در عین دستمایه قرار دادن داستانی فوتوریستی و با وجود بردن مخاطبش به دنیایی دور از دسترس و



فراواقعی، انگشت روی حساس‌ترین مسایل دنیای امروز می‌گذارد. بنابراین دوبارمسازیش اصلا جای تعجب ندارد. ضمن اینکه اساساً «یادآوری کامل» و- به اساس A Science Darkly را نیز شامل می‌شود.

برای من به عنوان یکی از طرفداران پروپاقرص ژانر علمی خیالی، بازیینی «یادآوری کامل» با نوشتن از آن در عین حال فارغ از برخی حسرت‌ها نیست. بیش از همه، حسرت بابت نرسوتن کارگردان بزرگی مثل پل وروهوفن که بسا فیلم‌هایی مثل «روبوکاپ»، «سربازان سفینه فضایی» و همین «یادآوری کامل» و- به نظر من در مقیاسی کمی پایین‌تر- «مرد نامریی» قطعاً و به طرزی انگار، ناپذیر خودش را به عنوان یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین فیلمسازان ژانر علمی خیالی مدرن تثبیت کرد ولی متأسفانه از سال ۲۰۰۰ به بعد دچار چنان افتی شد که قطعاً کارنامه‌اش را به عنوان یکی از درخ‌انگیزترین کارنامه‌های تاریخ سینما می‌توان حتی عبرت‌آموز تلقی کرد. با همه اینها وروهوفن با سه فیلم برتر کارنامه‌اش اسم برده شد، قطعاً تأثیری عمیق و ماندگار بر مسیر ژانر علمی خیالی مدرن گذاشت. این تأثیرگذاری می‌تواند خود، موضوع مقاله‌ای مفصل و اساسی باشد.

قطعاً در مواجهه با خبر بازسازی داستان کی‌دیک و فیلم وروهوفن یکی از نخستین فکرهايي که به ذهن انسان خطور می‌کند این است که اساساً بازسازی اثری در نوع خودش کامل، که ۲۴ سال پیش ساخته شده، اصولاً چه منطقی و توجیهی می‌تواند داشته باشد. ولی در عین حال یکی از نقاط بسیار دلگرم‌کننده و امیدوارکننده در مورد این پروژه جدید قطعاً این است که کارگردانی مثل لن وایزمن برای این کار برگزیده شده که شخصاً یکی از ستایشگران درجه یک در «دنیای زیرین» و «دنیای زیرین: تکامل» او هستم که از آثار مغالوت و بسیار جالب یکی، دو دهه اخیر در زیر گونه خون‌آشامی بوده‌اند. در عین حال «آزاد زندگی کن یا سخت بمیر» او هم در واقع قسمت چهارم «سخت‌جان» بوده اثری بود چنان قدرتمند و خوش‌ساخت که جای حرفی باقی نمی‌گذاشت. همه این شواهد می‌تواند ما را امیدوار نگه دارد که بازسازی «یادآوری کامل» اثری درخرو تامل و چه بسا حاوی رویکردی باز هم امروزی‌تر و پرورزتر به داستان کی‌دیک باشد. گرچه حتی در این صورت هم باز اثر وروهوفن همچنان جایگاه والا و دست‌نیافتنی خودش را در این ژانر حفظ خواهد کرد.